



یادداشت سردبیر

سفر مشاور

در جهان‌های ناموازی ظاهر و باطن

هانیه ملکی

می‌چیند و شاکله خاصی در او ایجاد می‌کند. بی‌تردید در اینجا مقصود آن نیست که اصالت را به اجتماع و یا ساختار زندگی بدهیم و فرد را ابزاری بیش نبینیم، بلکه به حد تأثیر زندگی بر فرد اشاره داریم.

زندگی ترکیبی از مشهودات و مکنونات است. هیچ یک از این دو جنبه از زندگی قابل حذف نیست. گاهی باید فرد را از مشهود به مکنون برد تا حقایق را ببیند و گاهی نیز از مکنون به مشهود سوق داد تا واقعیت‌های زندگی را نظاره‌گر باشد. مشاوره که از این‌گونه شایستگی برخوردار باشد، باید از نظر توانایی، بین ظاهر و باطن زندگی شناور باشد و دانش‌آموز شناور بین ظاهر و باطن را هدایت کند.

از نگاهی دیگر، زندگی ترکیبی از شیرینی‌ها و تلخی‌هاست. خداوند تلخی نیافرید، بلکه عملکرد خود انسان است که زشتی‌ها و تلخی‌ها را خلق می‌کند. لکن نمی‌توان از امور آزاردهنده خود را میراً دید و جدا فرض کرد. ایمان به خداوند و سرپنجه تدبیر به انسان کمک می‌کند از بروز تلخی‌های شکننده پیشگیری کند و به فرصت‌های بهجت‌آفرین بیفزاید. زندگی آمیخته به این دو وجه غیرقابل اجتناب زندگی، بر فرد اثر می‌گذارد و گاهی نیز او را به عکس‌العمل‌هایی وامی‌دارد. گاهی خامی و ناشیگری فرد باعث می‌شود در شادی‌های زندگی نیز الم‌ها رشد کنند و در الم‌های زندگی، از بذره‌های آلام کاسته شود.

اثرپذیری از زندگی و در سیطره سبک زندگی آزاردهنده بودن، واقعیت‌های محتمل حیات بشر است و مقابله با عوامل ملالت‌آور زندگی نیز از عهده آدمی بر می‌آید.

به این ترتیب، در این ویژه‌نامه قصد داریم با بهره‌گیری از مشاوران و مربیان عزیز، طرح‌های حمایتی، فوری‌تی و برنامه‌های نماد را در عرصه حساس و پیدا و پنهان سلامت روان دانش‌آموزان واکاوی کنیم و همکاران عزیز را ترغیب کنیم با مطالعات هدفمند و تجربه‌اندوختی‌های مستمر، در زمینه اعتدالی کمالات اخلاقی و تربیتی مراجعان خویش، به شایستگی‌های ویژه‌تری مجهز شوند و از این فرصت طلایی، برای جلوگیری از مصائب روحی و روانی دانش‌آموزان، حداکثر بهره را ببرند.

ان‌شالله

انسان زندگی را می‌سازد و زندگی نیز انسان را با همه خصوصیاتش شکل می‌دهد. تعامل آدمی با ساخت‌های زندگی از یک جنبه ساده و از جنبه‌های دیگر پیچیده است. البته هر چه به انسان ارتباط دارد، به‌طور بالفعل و بالقوه سهل و پیچیده است. مشاوران و روان‌شناسان نیز که با قواعد گوناگون روح و روان سروکار دارند، در چنین عرصه‌ای عمل می‌کنند و گاهی نیز ممکن است از مشاهده امور باطنی رفتارهای انسان متحیر شوند و با ذهن برانگیخته، به چاره‌اندیشی بپردازند.

اگر نسبت فرد و جامعه و رابطه ابعاد گوناگون زندگی ساده بود، این قدر صعوبت‌ها و سختی‌ها در عالم در عرصه حیات پدید نمی‌آمد. اینجاست که باید هر مشاوره از ساده‌اندیشی فاصله بگیرد و برای ورود به دنیای رازآلود ذهن و روان مراجعان آمادگی لازم را کسب کند. مطابق فراز نخست این نوشته، می‌توان پرسید:

- انسان چگونه و با کدام ابزار و وسایل زندگی را می‌سازد؟
- در این ساختن، با کدام مانع‌ها و محدودیت‌ها مواجه می‌شود؟

قیل از هر چیزی باید زندگی را با عینک فردی شناخت و با دوربین اجتماعی تحلیل کرد. خیلی بعید است که فردی نسبت به زندگی‌اش در دو میدان فردی و اجتماعی آگاهی نداشته باشد، ولی بتواند اثر مثبت و مؤثری بر زندگی‌اش بگذارد. بعضی‌ها به زندگی با چشمان «دوگانه‌بین» می‌نگرند و یا بهتر بگوییم، به «بینایی معیوب» مبتلا شده‌اند. اگر چنین باشد، جز با عینک طبی متناسب با این نقص نمی‌توان واقعیت‌ها را به‌درستی دید و داوری کرد. فرد نمی‌تواند نه با چشمان نزدیک‌بین، نه با چشمان دوربین و نه سایر کاستی‌ها، زندگی‌اش را به‌طور واقعی بنگرد و تحلیل کند.

بی‌تردید مشاوران را باید «طبیبان بینایی‌ها» نامید. آن کس که در زندگی یک‌قدمی خود را می‌بیند ولی به امور دورتر فکر نمی‌کند، مبتلا به نزدیک‌بینی است. تردید نباید داشت این قبیل افراد قادر نیستند زندگی خود را در قامت «رفعت» سازمان دهند و از ندامت‌ها پیشگیری کنند. لذا باید پابند این شعار بود که: «درست بنگر تا درست بروی.»

مَثَل زندگی مَثَل آب برای ماهی است. انسان در دریای زندگی غوطه‌ور است و هر چه در این دریا یافت شود و در میدان اثرگذاری بر فرد قرار گیرد، آجرهای بنای شخصیت او را به‌تدریج